

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین^۱ و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار

دکتر معصومه زندی*

چکیده

لویی فردینان سلین یکی از نویسندگان برجسته معاصر فرانسه و از نام‌آوران و مبتکران عرصه رمان است. سلین با استفاده از سبکی عامیانه توانست نوع ادبی رمان را متحول سازد و آثاری را با زبان و ویژگی‌هایی منحصر به فرد خلق کند. این مقاله ابتدا زبان فرانسه عامیانه را در آثار سلین مورد مطالعه قرار می‌دهد، سپس مشکلات مترجمان فارسی زبان را در ترجمه این آثار بررسی می‌کند و در آخر هم راهبردی مناسب برای ترجمه آثار نویسنده پیشنهاد می‌نماید. بدین منظور تحقیق حاضر از سه بخش زبان و سبک آثار سلین، واژگان عامیانه و نحو تشکیل شده است. بدیهی است، بدون آشنایی با ویژگی‌های زبان یک نویسنده، هرگز نمی‌توان ترجمه دقیقی را از آثار او ارایه داد. به همین سبب لازم دیدیم که در هر یک از بخش‌های فوق، پیش از پرداختن به مشکلات مترجمان، ابتدا به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های زبان فرانسه عامیانه سلین بپردازیم.

واژه‌های کلیدی

زبان فرانسه عامیانه، واژگان، نحو، زبان فارسی، مترجم، آثار سلین

* استادیار

مقدمه

لویی فردینان سلین یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان فرانسه در قرن بیستم است. او نویسنده‌ای خلاق و نوآور است که تحولاتی عظیم در رمان‌نویسی ایجاد کرد و آثاری ماندگار از خود به جای گذاشت. «می‌گویند جویس تنها کسی است که از لحاظ احاطه بر زبان می‌تواند با او رقابت داشته باشد، ولی به یقین حاصل کار هر یک از این دو در حیطه‌ای متفاوت است. نویسندگان متعددی، او را هم‌پایه بزرگانی چون شکسپیر، پروست، فاکر و کافکا دانسته‌اند. اما به راستی مقایسه‌هایی این چنین، برای شناخت سلین کافی نیست.»^۱

کارنامه ادبی سلین، درخشان، متنوع و پربار است. «سفر به انتهای شب»^۲، «مرگ قسطی»^۳ و «دسته خیمه شب‌بازی»^۴ از مهم‌ترین آثار نویسنده به شمار می‌روند. این آثار سرشار از تصاویر بدیع، آکنده از شور و هیجان و بیانگر ذوق و الهامی خارق‌العاده‌اند. بدون شک آنچه که سلین را از دیگر نویسندگان بزرگ هم‌عصر خود متمایز می‌گرداند، زبان منحصر به فرد و سبک عامیانه آثار اوست. سلین با استفاده از این سبک، متون روایی‌اش را از تمام قید و بندها آزاد و از بردگی منطق و قواعد رها ساخت و بدین ترتیب توانست نام خود را در تاریخ ادبیات فرانسه جاودان گرداند.

بدیهی است مخاطبان آثار هنری تنها به مردمانی خاص یا زمان و مکانی خاص محدود نمی‌شود. متون ادبی هم از این قانون مستثنی نیستند. هر نویسنده‌ای علاقه‌مند است که حاصل کارش را به همگان بشناساند و همان‌طور که می‌دانیم، معرفی و انتقال آثار گوناگون به مردمان گوناگون، تنها از طریق ترجمه آنها امکان‌پذیر است. پس ترجمه امری است بسیار مهم و مترجم رسالتی دارد بس عظیم.

برگرداندن هر نوشته‌ای از زبانی به زبان دیگر، همواره با دشواری‌های زیادی همراه بوده و هست؛ زیرا زبان‌های متفاوت از ساختارهای واژگانی و نحوی متفاوتی برخوردارند و انتقال دقیق این ساختارها به خوانندگان، نیازمند مهارت، دقت و حوصله‌ای فراوان است. در این میان ترجمه

۱- لویی فردینان سلین. سفر به انتهای شب. ترجمه فرهاد غبرایی. تهران: جامی، ۱۳۸۴، پیشگفتار مترجم، ص ۶.

2 - Voyage au bout de la nuit

3 - Mort à Crédit

4 - Guinol's Band

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۷۷

آثاری با زبان و سبک عامیانه، با مشکلات بیشتری همراه است، زیرا مترجم باید علاوه بر انتقال دقیق پیام، ویژگی‌گفتاری و عامیانه آن را نیز به خوانندگانش انتقال دهد و اکثر اوقات دیده می‌شود که مترجمان در مواجهه با این دشواری‌ها، از ترجمه این آثار دلسرد شده و ترجیح می‌دهند به ترجمه آثاری بپردازند که زبان و سبک آنها ادبی بوده و از قواعد نوشتاری سستی تبعیت می‌کنند.

در این مقاله برآنیم تا با مطالعه ویژگی‌های زبان فرانسه عامیانه آثار سلین، دشواری‌های ترجمه این آثار را مورد بررسی قرار دهیم و سپس راهبردهایی مناسب را برای ترجمه این آثار پیشنهاد کنیم.

زبان و سبک آثار سلین

سبک نوشتار سلین با سبک نوشتار نویسندگان زمان خود و قبل از خود فرق بسیاری دارد. بدون شک او اولین نویسنده‌ای است که آگاهانه زبانی خاص را برای خلق آثارش برگزیده است. سلین به کرات ادعان داشته که با انتخاب زبان و سبکی متفاوت، تلاش کرده است تا زبان فرانسه را از کهنگی و فرسودن نجات دهد. به راستی که تلاش‌هایش نتایجی شگفت هم به همراه داشت، زیرا توانست آثاری حیرت‌انگیز را به دنیای ادبیات هدیه کند و تأثیر و نفوذی پایدار برجای گذارد. آگاهی و تسلط او به زبان و سبک منحصر به فردش در جای جای آثارش آشکار است و یقیناً یکی از مهم‌ترین عوامل ماندگاری او نیز همین ویژگی‌هاست.

زبان و سبک سلین از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ چرا صاحب‌نظران و منتقدان ادبی او را نویسنده‌ای مبدع و نوآور می‌دانند؟

بدون شک مهم‌ترین و بارزترین ویژگی سبک نوشتاری سلین، عامیانه بودن آن است. به عبارتی، زبان غالب متون روایی او، زبان فرانسه کوچه یا زبانی خودمانی است. نویسنده برای خلق این زبان به ساختن کلمات غیرمعمول و غیر مصطلح می‌پردازد، ساختار نحوی جملاتش را تغییر می‌دهد و از استعارات عجیب و غریب استفاده می‌کند.

دومین مشخصه سبک سلین، ویژگی هیجانی و گفتاری آن است. سلین بر این باور است که زبان نوشتاری و زبان زیبای ادبی فاقد هیجان و تنها قادر است ظواهر دروغین را نشان دهد.

برعکس، زبان گفتاری سرشار از هیجان است و تنها واقعیات را می‌نمایاند. او معتقد است «برای خلق زبان هیجان‌آمیز باید با کلمات جنگید. زیرا کلمات مانع هیجان می‌شوند. با به کار بردن زبان گفتاری در نوشتار، کلمات به فراموشی سپرده می‌شوند و توجه خواننده تنها به کسی که آنها را ادا می‌کند، معطوف می‌گردد.»^۱

زبان و سبک سلین علاوه بر ویژگی عامیانه و هیجانی، یک خصوصیت منحصر به فرد دیگری نیز دارد و آن هذیانی بودن^۲ آن است. نویسنده برای خلق این زبان از تکنیک‌های متفاوتی استفاده می‌کند.

همان‌گونه که گفتیم، زبان قسمت اعظم آثار سلین، زبان فرانسه کوچه یا زبان عامیانه است. اما نویسنده در متونش به صورت مستمر از این زبان استفاده نمی‌کند. با مطالعه آثار سلین، گاهی به متونی بر می‌خوریم که از نقطه نظر زبانی در سطح بسیار بالایی قرار دارند. این متون علاقه نویسنده را به زبان رسمی و ادبی نشان می‌دهند. گاهی هم به صفحاتی بر می‌خوریم که در سطوح پایین‌تر زبانی قرار دارند. یعنی زبان خودمانی محاورات روزمره. هر یک از این سطوح زبانی مجموعه‌ای منسجم را تشکیل می‌دهند با ویژگی‌ها، واژگان و ساختار دستوری خاص خود. با توضیحاتی که داده شد، اندکی با زبان و سبک سلین آشنا شدیم. حال بینیم مترجم فارسی‌زبان در ترجمه آثار این نویسنده با چه مشکلاتی مواجه است.

مهم‌ترین عاملی که باعث می‌شود بعضی از مترجمان نتوانند ترجمه‌ای دقیق و قابل قبول از متون سلین ارائه دهند این است که آنان شناخت و آگاهی لازم را از سبک نویسنده ندارند. به کرات مشاهده شده است زبان بعضی از برگردان‌هایی که از متون نویسنده صورت گرفته، نه تنها عامیانه نبوده، بلکه از واژگان و ساختارهایی کاملاً ادبی برخوردار بوده است.

همان‌گونه که قبلاً گفتیم، سلین در آثارش علاوه بر زبان فرانسه عامیانه، از زبان ادبی و زبان رایج مکالمات روزمره نیز استفاده کرده است. با مطالعه رمان‌های او، گاهی اوقات به پاراگراف‌هایی بر می‌خوریم که نویسنده در آنها از هر سه سطح زبان هم استفاده کرده است. به عنوان مثال پاراگراف با زبان عامیانه شروع می‌شود، پس از چند جمله، ناگهان سطح زبان از

1 - Céline, Louis-Ferdinand, *Guignol's Band*, Préface de Guignol's Band, Paris, Gallimard, 1964, P. 7.

2 - Délirant

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۷۹

عامیانه به ادبی تغییر می‌یابد و پس از یک یا چند جمله ادبی، پاراگراف با زبان متداول مکالمات روزمره به پایان می‌رسد.

این تنوع در سطوح زبانی مشکلاتی را برای مترجم به وجود می‌آورد. زیرا همیشه نمی‌توان به راحتی مرز بین سطوح مختلف را پیدا کرد و گاهی اوقات این سطوح آن قدر به هم شبیهند که تشخیص آنها از یکدیگر نیازمند دقت و حوصله‌ای فراوان است.

مشکل دیگر مترجمان در ترجمه آثار سلین به ویژگی هیجانی و هذیان‌آمیز سبک نویسنده مربوط می‌شود. مسلماً یک ترجمه وفادار باید بتواند خصوصیات فوق را نیز به خواننده انتقال دهد.

مترجم فارسی زبان آثار سلین چگونه باید زبان و سبک عامیانه و هیجانی او را به خوانندگانش انتقال دهد؟ بدون شک اولین و اساسی‌ترین نکته‌ای که در ترجمه یک متن باید مد نظر قرار گیرد، شناختن سبک و زبان نوشتاری آن است، چرا که متون متفاوت زبان و سبک متفاوت دارند. زبان و سبک متون علمی و متون مذهبی با یکدیگر فرق دارد؛ همان‌طور که سبک و زبان متون مطبوعاتی و متون ادبی یکسان نیست. مسلماً متون ادبی هم سبک و زبانی همانند ندارند. بسیاری از انواع متون ادبی دارای زبانی نزدیک به زبان رایج و مکالمات روزمره می‌باشند. بسیاری دیگر کاملاً ادبی‌اند و در این میان متونی یافت می‌شود که زبان آنها عامیانه و گفتاری است. کار مترجم متون عامیانه از حساسیت بیشتری برخوردار است. خصوصاً اگر نویسنده این متون، سبکی همانند سبک سلین داشته باشد. مترجم آثار سلین علاوه بر تسلط لازم به زبان فرانسه باید زبان و سبک عامیانه او را نیز کاملاً بشناسد. بدین منظور لازم است که پیش از پرداختن به ترجمه، آثار نویسنده را عمیقاً مطالعه کند تا با خصوصیات نگارشی منحصر به فرد او آشنا شود؛ به طوری که بتواند ساختار عامیانه نوشته‌هایش را به طور دقیق انتقال دهد.

پیش‌تر گفتیم، استفاده نویسنده از سطوح زبانی متفاوت، کار مترجم را دشوار می‌سازد. ولی با اندکی دقت می‌توان ساختارهای عامیانه را از ساختارهای ادبی و رایج تمیز داد؛ زیرا سلین برای ساخت جملات عامیانه خود از واژگان ناآشنا و نامأنوس و ساختارهای دستوری خاصی استفاده کرده که شناسایی آنها در متن، کار دشواری نیست.

۱۸۰ □ بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار

تشخیص زبان ادبی از زبان رایج نیز دشوار نیست زیرا همان‌طور که می‌دانیم زبان رایج^۱، همان زبان متداولی است که در مکالمات و مکاتبات روزمره استفاده می‌شود و واژگان و ساختار نحوی آن (خصوصاً زمان افعال) برای همگان آشناست و با زبان ادبی که سرشار از واژگانی غنی، فنون و تکنیک‌های ادبی و جملات آهنگین است، تفاوت اساسی دارد.

مسلماً انتقال ویژگی‌های هیجانی و هذیان‌آمیز سبک سلین نیز در گروهی این است که مترجم با روش‌هایی که نویسنده برای خلق این ویژگی از آن استفاده می‌کند، آشنا باشد. مهم‌ترین این روش‌ها، کاربرد واژگان غیرمتداول و ساخت واژگان جدید است. روش دیگر، کاربرد جملاتی با ریتم تکراری است که باعث وقفه‌های غیرمنطقی دستوری در جملات می‌شود و هیجان‌گوینده را نشان می‌دهد. استفاده بیش از حد از علامت سه نقطه (...) و علامت تعجب (!) نیز از دیگر روش‌های ایجاد هیجان است.

موارد ذکر شده فوق، تنها نمونه‌هایی از شیوه‌هایی هستند که نویسنده برای خلق ویژگی هیجانی از آن استفاده کرده است. برای پرداختن به جزئیات فرانسه عامیانه و گفتاری سلین، باید واژگان و نحو را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان عامیانه آثار سلین

برای بررسی زبان فرانسه عامیانه آثار سلین، طبیعتاً ابتدا باید به مطالعه واژگان آن پردازیم. اما مشکل اینجاست که چگونه واژگان غیرمتداول را از واژگان معمولی زبان تشخیص دهیم. تفاوت بین واژه‌ای که در فرهنگ‌های لغت معمولی یافت می‌شود و واژه‌ای که برای پیدا کردن آن باید به فرهنگ‌های لغت خاص رجوع کرد، چیست؟ باید یادآوری کنیم که شمار زیادی از واژگان عامیانه‌ای که سلین در آثارش از آنها استفاده کرده، در فرهنگ‌های لغت معمولی یافت نمی‌شوند. این کلمات، کلماتی ممنوعه و رکیک‌اند که همگان با آن آشنایی دارند ولی هیچ‌کس تمایلی به نوشتن آنها ندارد و اغلب از دیدن آنها در یک متن تعجب می‌کند. «کلمات ممنوعه فوق، تنها کلمات عاشقانه یا کلماتی که برای دشنام و ناسزا گفتن به کار می‌روند، نیستند»^۲ زیرا

1 - Langue Courante

2 - Godard, Henri, *Poétique de Céline*, Paris, Gallimard, 1994, P. 85.

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۸۱

شمار زیادی از این گونه کلمات در فرهنگ‌های لغت معمولی زبان فرانسه یافت می‌شوند. کلمات یادشده، نوواژگانی هستند که نویسنده خود، آنها را خلق نموده و در هیچ فرهنگ لغتی یافت نمی‌شوند.

وانگهی، کلمات عامیانه همیشه یک معنی دقیق ندارند. این کلمات، کلماتی هستند که احساس می‌کنیم مفهوم آنها را درک می‌کنیم، اما تنها در آثار یا فرهنگ‌های لغت خاص تعریف شده‌اند.

در آثار سلین، کلمات عامیانه بر دو نوعند: کلماتی که اساساً خود عامیانه‌اند و کلماتی که عامیانه نبوده، به سطوح زبانی دیگری اختصاص دارند ولی نویسنده شکل و صورتشان را تغییر داده تا آنها را عامیانه گرداند. بیشترین تعداد کلمات عامیانه سلین از نوع دوم می‌باشد.

یکی از روش‌هایی که سلین برای ساخت واژگان عامیانه از آن استفاده می‌کند، استفاده از پسوندهای مخصوص زبان گفتاری است. در آثار سلین به شمار زیادی از واژگان برمی‌خوریم که نویسنده با اضافه کردن این پسوندها، آنها را به واژگان عامیانه تبدیل کرده است. به عنوان مثال، در «سفر به انتهای شب»، نویسنده با استفاده از دو پسوند «- oter» و «- ard» واژگان عامیانه بسیاری ساخته است. مانند کلمه «Veinard» به معنی «خوش‌شانس» که با اضافه کردن پسوند «- ard» به کلمه «Veine» که اسم می‌باشد، ساخته شده است؛ یا فعل عامیانه «Crachoter» به معنی «کمی آب دهان ریختن» که با حذف پسوند «er» از آخر فعل «Cracher» و افزودن پسوند «- oter» به ریشه فعل ساخته شده است. کلمات فوق (Veinard- Crachoter) به زبان فرانسه گفتاری تعلق دارند.

با مطالعه واژگان عامیانه سلین، در می‌یابیم که ترجمه این واژگان، تبحری بسیار، دقتی وافر و شناختی کامل از زبان را می‌طلبد. اولین مشکلی که مترجم در ترجمه این واژگان با آن روبه‌رو می‌شود، دشواری درک و فهم این لغات است. حتی بسیاری از خوانندگان فرانسوی‌زبان هم از درک برخی از واژگان آثار سلین، عاجزند. بدیهی است بدون فهمیدن معنای یک کلمه، تقریباً محال است که معادلی درست و دقیق برای آن پیدا کنیم.

به منظور فهم سریع واژگان، مترجم فارسی زبان ابتدا باید واژگان غیرمتداول را از واژگان معمولی زبان جدا کند، سپس به معادل‌یابی پردازد.

یافتن معنای واژه‌های رایج و معمول زبان کار دشواری نیست و مترجم می‌تواند با مراجعه به فرهنگ‌های لغت معمولی و غیرتخصصی هم مفهوم واژه مورد نظر خود را بیابد. ولی در خصوص ترجمه واژگان غیرمتداول باید گفت که مترجم راهی بس دشوار در پیش دارد. چون متأسفانه هنوز هیچ فرهنگ لغت عامیانه فرانسه به فارسی پدید نیامده که جامع بوده و پاسخگوی نیاز مترجمان باشد. پس چاره چیست؟ مترجم برای حفظ جنبه‌های معنایی و فرهنگی متن مورد ترجمه‌اش چه راهبردی را اتخاذ و به کار برد؟ برای حل این مشکل مترجم می‌تواند به فرهنگ‌های لغت عامیانه فرانسه به فرانسه مراجعه کرده و با تکیه بر تسلطی که بر زبان دارد خود، مفهوم واژگان عامیانه فرانسه را از طریق واژگان فرانسه معادل آنها پیدا کند. بدون شک انجام این کار وقت‌گیر ولی قطعاً مشکل‌گشاست.

لازم به ذکر است که با مراجعه به فرهنگ‌های لغت عامیانه فرانسه به فرانسه، تنها می‌توان برای آن دسته از لغات معادل پیدا کرد که در زبان فارسی معادل دارند. هنگام ترجمه آثار سلین، گاهی به واژگان عامیانه‌ای بر می‌خوریم که در زبان فارسی هیچ معادلی ندارند. «در این گونه موارد، مترجم باید به همانندسازی بپردازد. یعنی این واژگان را با واژگانی دیگر یا مفاهیمی دیگر که برای خواننده دیرآشنا نیست ولی همان معنای کلمات زبان مبدأ را به ذهن می‌آورند، جایگزین نماید.»^۱

همان‌گونه که قبلاً گفتیم، در آثار سلین، نوع دیگری از واژگان وجود دارد که در هیچ فرهنگ لغتی یافت نمی‌شوند زیرا نویسنده خود، آنها را ابداع کرده است. این واژگان عامیانه نبوده و سلین برای اینکه آنها را عامیانه گرداند، پسوندهای زبان فرانسه گفتاری را به آنها اضافه کرده است. حال ببینیم که مترجم در مواجهه با این واژگان چگونه باید عمل کند؟ در قسمت‌های پیشین این مقاله توضیح دادیم که بدون آشنایی با سبک یک نویسنده، نمی‌توان ترجمه دقیقی از آثارش ارائه داد و مترجم قبل از انجام هر کاری باید ابتدا به بررسی ساختار واژگانی و نحوی متن مورد نظر بپردازد. با مطالعه واژگان عامیانه سلین می‌توان به روش ساخت این واژگان پی برد. همان‌طور که قبلاً گفته شد نویسنده به ساخت واژه‌های صددرصد جدید نمی‌پردازد، به عبارتی ریشه‌های واژگان را تغییر نمی‌دهد. فهم این نکته کمک بزرگی به

۱- علی خزائی فر. «تکنیک‌های هفتگانه ترجمه ۱»، مجله مترجم، شماره ۳، ۱۳۷۰، ص ۲۹.

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۸۳

مترجم می‌کند؛ چرا که او پس از یافتن ریشه واژه، می‌تواند مفهوم آن را پیدا کند. پس از یافتن ریشه واژه مترجم باید پسوندهای خاص زبان گفتاری را که با اضافه شدن به ریشه، باعث ساخت واژه عامیانه شده‌اند پیدا کند. تعداد این پسوندها در آثار سلین بسیار محدود می‌باشد و یک بار مطالعه دقیق متن، آنها را برای مترجم آشکار می‌کند. در مرحله بعدی مترجم باید نوع این پسوندها را مشخص کند زیرا همان‌گونه که می‌دانیم پسوندهای مخصوص ساخت اسم با پسوندهای مربوط به صفات و افعال تفاوت اساسی دارند. پس از مشخص شدن نوع پسوندها، مترجم به راحتی می‌تواند، حتی بدون فرهنگ لغت‌های مخصوص، این واژگان را ترجمه کند. یکی دیگر از مشکلاتی که مترجمان فارسی زبان در ترجمه آثار سلین با آن مواجهند، این است که همیشه این امکان وجود ندارد که محدوده معنایی یک واژه عامیانه را از طریق یک واژه منتقل کرد. در چنین مواردی لازم است که مترجم از چند واژه در ترجمه استفاده کند و حتی اگر لازم باشد یک عبارت را جایگزین واژه فرانسه نماید.

نحو

الف - ساختارهای نحوی عامیانه

اگر بخواهیم به بررسی زبان فرانسه عامیانه سلین بپردازیم، باید توجه خود را بیش از هر چیز به نحو متمرکز نماییم. بدیهی است واژگان غیرمتداول سلین، نقش مهمی را در آفرینش آثاری با لحن و ویژگی‌های زبان گفتاری ایفا می‌کنند. اما اگر این واژگان در قید و بند ساختارهای دستوری سنتی باشند، قادر نیستند متون روایی سلین را از شکل معین فرانسه نوشتاری خارج نمایند و آنها را به قالب زبان عامیانه درآورند. کلمات چه عامیانه باشند چه رایج، چه ادبی، تنها تأثیری آنی و گذرا دارند. پس آنچه که باعث تمایز واضح زبان فرانسه عامیانه از نوشتار سنتی می‌باشد، این است که اولی علاوه بر داشتن واژگان عامیانه، دارای ساختار دستوری کاملاً متفاوتی نیز هست. از این رو با زبان فرانسه نوشتاری قابل قیاس نمی‌باشد. سلین در آثارش از ساختارهایی استفاده کرده که همگی کم و بیش مستقیماً جزء دستور زبان فرانسه عامیانه‌اند. «از ویژگی‌های ساختارهای نحوی عامیانه سلین، می‌توان به عنوان مثال، هم‌زمانی کم و بیش نامنظم ماضی نقلی و گذشته ساده، استفاده از ساختارهای زبان گفتاری مانند تکرار کلمات یا

تغییر ترتیب منطقی اجزای جمله را نام برد.^۱

شمار زیادی از اشکالی که سلین در متونش از آنها استفاده کرده، پیش از آنکه عامیانه باشند، ساختارهایی هستند که مختص زبان گفتاری اند. مانند ساختارهایی که نویسنده در آنها به وفور زمان ماضی نقلی را به کار برده زیرا این زمان در مکالمات روزمره و به طور کلی در زبان گفتاری، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کاربرد جملات اسمیه از دیگر مشخصه‌های ساختارهای نحوی عامیانه سلین است. رمان «مرگ قسطی» مملو از جملات اسمیه‌ای است که نویسنده، تنها از طریق حذف فعل آنها را نساخته است. او گاهی فعل را حذف نموده، گاهی فعل و فاعل را با هم، گاهی هم فعل را به همراه دیگر اجزای مهم جمله.

سلین برای آفرینش زبان عامیانه خود، از دیگر ساختارهای نحوی عامیانه هم استفاده کرده است. عبارات پایه‌ای ناقص یکی از این ساختارها می‌باشد. این عبارات، عباراتی کوتاه و بدون فعل اند که اغلب به شکل اسم، صفت یا قید به همراه حرف ربط «که» و عبارات تابعی به کار می‌روند.

ب - تغییر ترتیب منطقی اجزای جمله

سلین از طریق گرد هم آوردن غیرمنطقی عناصر نحوی، گسستن غیرمنطقی اجزای سازنده جمله و تکرار کلمات، - که مخصوص زبان گفتاری است - ترتیب منطقی اجزای جمله را به هم می‌ریزد تا زبان متون روایی‌اش را به زبان فرانسه گفتاری نزدیک‌تر نماید. علاوه بر موارد ذکر شده فوق، او برای ایجاد هیجان در خواننده‌اش، اجزای سازنده جملات خود را جابه‌جا می‌کند. به عنوان مثال، فاعل و فعل را - که در زبان فرانسه در آغاز جمله آورده می‌شود - در آخر جمله قرار می‌دهد. مانند:

"Toutes les peines du monde j'éprouvais déjà[...]"^۲

(«تمام درد و رنج دنیا را من احساس می‌کردم...»)

ج - جملات معترضه عامیانه

کاربرد بیش از حد جملات معترضه عامیانه در نقل قول‌های مستقیم، بیانگر این است که

1 - Sauvageot, Aurélien, *Analyse du Français Parlé*, Paris, Hachette, 1972. P. 94

2 - Céline, Louis- Ferdinand, *Voyage au bout de la nuit*, Bibliothèque de la Pléiade, Paris, Gallimard, 1962, P. 296.

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۸۵

نویسنده، علاقه وافری به تقلید زبان گفتاری دارد. تعداد این جملات در نقل قول‌های هیجان‌انگیز رمان «سفر به انتهای شب»، بسیار چشم‌گیر است. نویسنده این شبه جملات را اغلب در وسط یا آخر جملات خود به کار برده است. برای فهم بیشتر مطلب، عبارات زیر را از رمان «سفر به انتهای شب» انتخاب کرده، همراه با ترجمه فارسی آن در زیر آورده‌ایم.

"Enfin, pour faire psychologues, nous essayâmes d'analyser un peu le caractère de Robinson. "Il n'est pas jaloux précisément, qu'elle me dit alors, mais il a des moments difficiles.

-Ça va ! Ça va ! ... " que j'ai répondu [...]"¹

(«در آخر کار، برای اینکه ادای روان‌شناس‌ها را هم درآورده باشیم، سعی کردیم یک کم شخصیت روبنسون را تجزیه و تحلیل کنیم. به من می‌گفت: «راستش نمی‌شود گفت که حسود است، ولی بعضی وقت‌ها تا کردن با او خیلی سخت می‌شود.» جواب دادم: «ای بابا! دست بردار!»)

د- استعاره

استعاره که از منظر «اشمیت و ویالا» (۱۹۹۰) «ارتباط بدیع واژگان برای خلق یک واقعیت جدید است»^۲، از دیگر فنون روایی آثار سلین می‌باشد. این فن به نویسنده این امکان را می‌دهد که از ظواهر بگذرد و به اصل ذات هستی دست یابد.^۳ اما هرگاه در اثری بیش از حد از این فن بیان استفاده گردد، از ویژگی جدید و بدیعش کاسته می‌شود. زیرا «آن هم مانند هر عنصر زبانی دیگر به مرور زمان کهنه و فرسوده می‌شود.»^۴ سلین در تک‌تک صفحات رمانش، «سفر به انتهای شب» به کرات از استعاره استفاده نموده، به طوری که این فن به فرمولی قراردادی و کلیشه‌ای تبدیل گردیده است. وفور و گوناگونی کلیشه‌هایی که سلین در سفر به کار برده نشان می‌دهد که نویسنده در پی آن است که به متون روایی‌اش ویژگی گفتاری بدهد.

با توضیحاتی که داده شد، اندکی با ساختارهای نحوی زبان عامیانه سلین آشنا شدیم. حال ببینیم که مترجم فارسی زبان جهت انتقال ساختارهای فوق با چه مشکلاتی مواجه است و برای حل این مشکلات باید چه راهبردی را اتخاذ و به کار برد؟

1 -Ibid., P. 396

2 - Schmitt, M.- P et Viala, A, *Savoir-lire*, Paris, Didier, 1990, P. 128.

3 -Genette, Gérard, "*Figures I*", Paris, Édition du Seuil, 1966, P. 39.

4 -Garde- Tamine,J, Hubert, M.-C, *Dictionnaire de Critique littéraire*, Paris, Armand Colin, 1993, P. 118.

بدیهی است که در ترجمه، برقراری تناظر یک به یک و همه‌جانبه میان اجزای دو زبان، ممکن نیست و در اکثر موارد، نمی‌توان منظور نویسنده را بدون کم و زیاد یا جابه‌جا کردن عناصر جمله به زبانی دیگر برگرداند. به عبارت دیگر، محال است که مترجمی بتواند تمام اجزای جملات زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل نماید. بنابراین، بحث حذف و اضافه اجزای زبانی در فرایند ترجمه امری گریزناپذیر است. ولی این بدان معنا نیست که مترجم مختار است، بدون توجه به زبان و سبک یک متن، هرگونه تغییر و تبدیلی را در آن ایجاد نماید.

بدون شک مهم‌ترین نکته‌ای که هر مترجمی باید به آن توجه کند، وفاداری به زبان نوشتاری متن مورد ترجمه است. اما در خصوص ترجمه آثار عامیانه، به خصوص متون روایی سلین، این امر اندکی دشوار می‌نماید. مشکلاتی از قبیل عدم انطباق محدوده معنایی واژگان عامیانه در زبان فرانسه و فارسی، وجود نداشتن هم‌ارز برای کلمه فرانسه در زبان فارسی، ابهامات نحوی و واژگانی، دشواری یا غیرممکن بودن انتقال هم‌زمان مفاهیم و صورت‌ها از جمله مواردی است که مترجمان متون عامیانه سلین با آن مواجهند.

همان‌گونه که قبلاً گفتیم سلین در نثرش از ساختارهای زبان گفتاری استفاده کرده است و بدون شک وظیفه مترجم قبل از هر چیز، انتقال این ساختارهاست. انتقال دقیق ساختارهای فوق به زبان فارسی، تنها زمانی میسر است که مترجم به اندازه کافی با دستور زبان عامیانه فارسی آشنایی داشته باشد. استفاده از فرهنگ‌های لغت عامیانه تا حدی می‌تواند گره‌گشا باشد ولی به کمک آنها، تنها می‌توان واژگان عامیانه را به فارسی برگرداند. مباحثی از قبیل تکرار کلمات، تغییر ترتیب منطقی اجزای جمله، کاربرد جملات اسمیه و جابه‌جایی اجزای سازنده جمله و غیره، جزء ساختارهای نحوی یک زبان هستند و استفاده صحیح از آنها مستلزم تسلط به دستور زبان عامیانه یک زبان است.

خوشبختانه به‌رغم وجود تفاوت‌های فاحش بین ساختارهای نحوی دو زبان فرانسه و فارسی، تشابهاتی هم بین دو زبان می‌توان یافت.

به عنوان مثال، در هر دو زبان می‌توان با استفاده از عبارات پایه‌ای ناقص، کاربرد بسیار زیاد جملات معترضه و جابه‌جایی عناصر سازنده جمله، ویژگی گفتاری و هیجانی به متن داد. اما آنچه که باعث دشواری ترجمه متون عامیانه سلین می‌شود، تشابهات بین دو زبان نیست،

بررسی زبان فرانسه عامیانه در آثار سلین و مشکلات مترجمان فارسی زبان در ترجمه این آثار □ ۱۸۷

تفاوت‌های موجود بین آنهاست. اصلی‌ترین تفاوتی که بین زبان فرانسه و فارسی وجود دارد، این است که تعداد وجوه و زمان‌های دستوری زبان فرانسه و زبان فارسی یکسان نیست. به عبارتی مشکل اساسی مترجمان فارسی زبان در ترجمه آثار فرانسوی، ریشه در محدود بودن زمان‌ها و وجوه زبان فارسی دارد. همان‌طور که می‌دانیم، زبان فرانسه دارای بیست و چهار زمان و وجه فعل می‌باشد. در حالی که در مقابل، زبان فارسی تنها هشت زمان دارد. این تفاوت فاحش در تعداد زمان‌ها و وجوه، کار ترجمه را بسیار دشوار می‌نماید. برای رفع این مشکل تنها یک راه حل وجود دارد و آن این است که مترجم باید هر چند وجه و زمان فرانسه را با یک زمان فارسی معادل نماید. مسلماً انجام این کار باعث می‌شود که مترجم نتواند به زمان مبدأ وفادار بماند، زیرا مجبور می‌گردد ساختار دستوری آن را تغییر دهد. ولی چاره‌ای جز این کار وجود ندارد.

تعداد زمان‌ها و وجوه زمان فرانسه از یک طرف و ویژگی‌های منحصر به فرد نثر سلین از طرف دیگر کار ترجمه را دشوارتر از آنچه هست، می‌سازند. به عنوان مثال، در رمان «مرگ قسطی»، اثری دیگر از سلین، مترجم از همان صفحات آغازین کتاب، با سیل عظیمی از جملات مواجه می‌شود که ابهام، پیچیدگی، تنوع و تعدد در نوع و خصوصاً ساختار عامیانه آنها او را دائماً دچار تردید و سردرگمی می‌کند.

جملات ذکر شده فوق یا جملات بلند پایه و پیروی هستند که نویسنده ترتیب منطقی اجزای سازنده آنها را تغییر داده یا جملات کوتاه اسمیه‌ای که او به منظور ایجاد هیجان در خواننده‌اش، آنها را وارد نثر خود نموده است. علاوه بر ساختارهای نحوی عامیانه، وجود نو واژگان، کلمات مرکب و استعارات نامأنوس هم کار ترجمه متون روایی سلین را با مشکل مواجه می‌سازند. اکنون چاره چیست؟ مترجم از کدامین روش‌های ترجمه استفاده کند تا بهتر و واضح‌تر بتواند، پیام نویسنده را به خوانندگان منتقل نماید؟ آیا ترجمه واژه به واژه را در پیش بگیرد؟ به ترجمه ادبی پردازد؟ یا ترجمه‌ای استنباطی و تفسیری یا به اصطلاح آزاد از متون ارایه دهد؟

بدون شک در برخی از قسمت‌های متون روایی سلین مانند «سفر به انتهای شب» و «مرگ قسطی»، ویژگی‌های نحوی متون به گونه‌ای است که به مترجم اجازه می‌دهد، به ترجمه واژه به واژه پردازد، یعنی اجزای متن فرانسه را به لحاظ نحوی و معنایی عیناً در متن فارسی بازآفرینی

کند. ولی انجام ترجمه فوق همیشه امکان‌پذیر نیست زیرا گاهی اوقات استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی، عباراتی را در زبان فارسی به وجود می‌آورد که ممکن است از نظر دستوری کاملاً درست باشند ولی به نظر خوانندگان فارسی‌زبان عجیب و غریب برسند.

همان‌گونه که قبلاً گفتیم، زبان قسمت اعظم آثار سلین، زبان فرانسه عامیانه است، ولی سلین برای خلق مهم‌ترین آثارش، فقط از این زبان استفاده نکرده است. تنها با بهره‌گیری از زبان عامیانه در کنار زبان ادیبانه بود که نویسنده توانست مهم‌ترین آثارش را خلق و به جهان معرفی کند. در «سفر به انتهای شب»، گاهی اوقات به متونی برمی‌خوریم که می‌توان آنها را از برجسته‌ترین متون ادبی جهان به حساب آورد. بعضی از صفحات رمان از چنان غنای ادبی برخوردارند که خواننده از یافتن آنها در رمان عامیانه‌ای همچون «سفر» به شدت دچار شگفتی می‌شود. بدیهی است که مترجم در رویایی با این متون باید ترجمه عامیانه را رها کرده و همه تلاش خود را وقف انتقال غنای ادبی متون یاد شده، نماید. خوشبختانه زبان فارسی که زبان شعر و ادب و دارای واژگان بسیار غنی است، مترجم را در این امر یاری می‌کند.

در ترجمه متون روایی سلین، گاهی اوقات مترجم با متونی روبه‌رو می‌شود که از طریق ترجمه واژه به واژه آنها به هیچ وجه نمی‌تواند منظور نویسنده را به طور دقیق به خواننده منتقل نماید. در مواجهه با چنین متونی لازم است که مترجم به ترجمه آزاد بپردازد. یعنی ترجمه‌ای که بیشتر به زبان فارسی و خوانندگان این زبان توجه دارد تا حفظ یک‌دستی متن فرانسه. در این ترجمه، مترجم آزاد است تا سلسله مراتب دستوری را تغییر دهد و برای یک واحد دستوری زبان فرانسه معادلی متفاوت در زبان فارسی بیابد. برای نمونه، «مترجم می‌تواند واژه را به بند یا گروه، تکواژ را به واژه و جمله را به بند ترجمه کند»^۱

در ترجمه تفسیری و یا استنباطی، در اکثر مواقع، لازم است که مترجم در متن فرانسه جابه‌جایی یا تغییر صورت انجام دهد؛ یعنی کلمه‌ای از یک مرتبه دستوری در زبان فرانسه را جای‌گزین کلمه‌ای از مرتبه دستوری دیگر در زبان فارسی نماید؛ بی‌آنکه معنای پیام را تغییر دهد. در ترجمه فوق، گاهی اوقات مترجم مجبور می‌شود شکل پیام متن فرانسه را تغییر دهد. بدین منظور، او می‌تواند به عنوان مثال، تصویری انتزاعی را به تصویری عینی و محسوس

1 - Catford, J.C, *A Linguistic Theory of Translation: an Essay in Applied Linguistics*, Oxford: Oxford University press, 1965, P. 145.

برگرداند. (زیرا ممکن است که آن تصویر از دید خوانندگان فارسی زبان پذیرفتنی نباشد.) یا به معادل‌سازی بپردازد. این کار به او اجازه می‌دهد که تأثیری همانند تأثیر متن فرانسه بر روی خوانندگان خود ایجاد کند، اما با استفاده از واژگانی کاملاً متفاوت. مترجم می‌تواند از روش‌های دیگر تغییر بیان نیز یاری جوید، مثلاً جزء را به کل تبدیل کند، علت را به جای معلول یا ظرف را به جای مظروف به کار برد یا عبارت‌های دو بار منفی را به مثبت تبدیل کند. در مجموع، «هرگاه استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی و انواع آن یا جابه‌جایی، عباراتی را در زبان مقصد پدید آورد که از نظر دستوری درست باشند، اما از نظرگاه ذهنی کاربران زبان مقصد طبیعی به نظر نیایند، می‌توان از تغییر صورت استفاده کرد.»^۱

نتیجه

در این مقاله به بررسی زبان فرانسه عامیانه سلین پرداختیم و از دشواری‌های ترجمه آثار این نویسنده صاحب‌سبک فرانسه سخن گفتیم. تحلیل‌های به دست آمده از این تحقیق نشان داد که مترجم متون سلین باید به زبان و سبک او کاملاً آشنا باشد تا بتواند ویژگی‌گفتاری و عامیانه آن را به خواننده انتقال دهد.

با بررسی واژگان عامیانه سلین دریافتیم که در آثار نویسنده دو نوع واژه عامیانه وجود دارد: واژگانی که اساساً عامیانه‌اند و در فرهنگ‌های لغت فرانسه یافت می‌شوند و نو واژگانی که نویسنده خود آنها را ساخته است. برای ترجمه واژگان عامیانه، مترجم می‌تواند با مراجعه به فرهنگ‌های لغت عامیانه فرانسه به فرانسه معادل‌های دقیقی برای آنها بیابد. (زیرا در حال حاضر هیچ فرهنگ جامع عامیانه فرانسه به فارسی در دسترس نیست.)

در ترجمه نوواژگان، مترجم باید نوع پسوندهای زبان گفتاری را که نویسنده برای ساختن اسم، صفت یا فعل به ریشه کلمه اضافه نموده، تشخیص دهد و سپس به ترجمه واژه بپردازد. در ترجمه واژگان عامیانه سلین، گاهی اوقات مترجم مجبور می‌شود برای ترجمه یک واژه، از چند واژه استفاده کند. این به این دلیل است که حوزه‌های معنایی در زبان‌های مختلف با

1- مارک شاتلورت و میراکاوی. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. ترجمه فرحزاد تجویدی و بلوری. تهران: انتشارات یلدا قلم، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲.

یکدیگر مطابقت کامل ندارند.

مطالعه ساختار نحوی متون روایی سلین نشان داد که این ساختارها اکثراً مختص زبان گفتاری و عامیانه‌اند. ولی در کنار ساختارهای عامیانه، نویسندگان از ساختارهای ادبی هم استفاده کرده است. برای برگرداندن ساختارهای فوق به زبان فارسی، مترجم باید از روش‌های متفاوت ترجمه استفاده کند. ساختار نحوی بعضی از قسمت‌های متون عامیانه سلین به گونه‌ای است که مترجم می‌تواند به ترجمه واژه به واژه بپردازد. یعنی عین ساختار نحوی و معنایی زبان فرانسه را وارد زبان فارسی کند. ولی در اکثر مواقع مجبور است شکل پیام متن اصلی را تغییر دهد. مثلاً برای یک واحد دستوری زبان فرانسه، معادلی متفاوت در زبان فارسی بیابد.

منابع و مأخذ

- ۱- خزایی فر، علی. «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه»، مجله مترجم، شماره ۳، ۱۳۷۰. ##
- ۲- سلین، لویی فردینان. سفر به انتهای شب. ترجمه فرهاد غبرایی. تهران: جامی، ۱۳۸۴. ##
- ۳- شاتلورت، مارک و میراکاوی. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. ترجمه فرحزاد تجویدی و بلوری. تهران: انتشارات یلدا قلم، ۱۳۸۵. ##
- 4- Catford, J. C, *A Linguistic Theory of Translation: an Essay in Applied Linguistics*, Oxford: Oxford University press, 1965. ##
- 5- Céline, Louis-Ferdinand, *Voyage au bout de la nuit*, Bibliothèque de la Pléiade, Paris, Gallimard, 1962. ##
- 6- Céline, Louis-Ferdinand, *Guignol's Band, Préface de Guignol's Band*, Paris, Gallimard, 1964. ##
- 7- Céline, Louis-Ferdinand, *Mort à Crédit*, Paris, Gallimard, 1962. ##
- 8- Garde-Tamine, J, Hubert, M. – c, *Dictionnaire de Critique littéraire*, Paris, Armand Colin, 1993. ##
- 9- Genette, Gérard, "*Figures I*", Paris, Édition du Seuil, 1966. ##
- 10- Godard, Henri, *Poétique de Céline*, Paris, Gallimard, 1994. ##
- 11- Sauvageot, Aurélien, *Analyse du Français parlé*, Paris, Hachette, 1972. ##
- 12- Schmitt, M.-P et Viala, A, *Savoir-Lire*, Paris, Didier, 1990. ##
- 13- Vitoux, Frédéric, *Louis-Ferdinand Céline, Misère et Parole*, Paris, Gallimard, 1973##.